

مهار فشارهای خارج از اراده

نقش علوم انسانی در انسانی شدن علوم

بامداد لاجوردی | در کنار رشد روزافزون و بی سابقه علوم فنی و مهندسی در کشور، علوم انسانی همیشه به دلایل بسیاری که عموماً با نظام دانش نسبتی ندارند مورد بی مهری و بی توجهی قرار گرفته‌اند و نتوانسته‌اند رشد و توسعه پیدا کنند و کارکرد مناسب خود را نشان دهند. این بی توجهی پیامدهای خطرناکی از جمله تخریب محیط زیست، آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی با خود به همراه دارد. بر همین اساس در این مطلب، نویسنده رسیدن به جایگاه مناسب و شایسته علوم انسانی در کشور را توجه به کارکرد واقعی علوم انسانی می‌داند.

موشکی از جایی، سوی دیگری از دنیا را با خاک یکسان کند در قرن پیش، غیر قابل باور بود، اما بشر امروز برخی از مسائل این‌چنینی را به چشم خود دیده و تجربه کرده است. تصور دستیابی به برخی دیگر در سالیان نزدیک نیز، چندان برایش دور از ذهن نیست. چراکه علوم طبیعی امروز نه تنها توانسته‌اند حیوانات را شبیه‌سازی کنند، بلکه در سطوحی به شبیه‌سازی انسان نیز دست‌یافته‌اند، یا توانسته‌اند تغییراتی در حیوانات و گیاهان ایجاد کنند که وزن آنها چندین برابر و محصولاتشان افزون شود. علوم دقیقه توانسته‌اند ابزارهایی را در اختیار بشر قرار دهند که همه‌ی رفتارها و اطلاعات او، اعم از ساعات خواب و بیداری، مکالمات و دوستان و آشنایان او را در بانک اطلاعاتی ذخیره کرده، آنها را تجزیه و تحلیل کند و در نتیجه به جزئی‌ترین مسائل فردی و اجتماعی جوامع دست یابند. نمونه‌هایی از این دست بسیاری‌اند، اما در اینجا به همین چند جمله‌ی کلی به‌عنوان نتیجه‌گیری این بخش بسنده می‌کنیم که علوم دقیقه و طبیعی پیشرفت روزافزونی دارند و در

اگر بخواهیم فایده و هدفی برای علوم انسانی تعیین کنیم، چیزی جز این نخواهد بود که «علوم انسانی باید وجوه انسانی علوم را برجسته کنند و ابعاد غیرانسانی علم را حذف و اصلاح کنند». هرچند این دیدگاه از تخصص بی‌دلیل میان علوم انسانی و طبیعی و دقیقه، فاصله‌ی زیادی می‌گیرد و نگرشی بین‌رشته‌ای اتخاذ می‌کند، اما به دلایل بسیار مهم‌ترین و جدی‌ترین وظیفه‌ی علوم انسانی در آینده‌ی نزدیک دستیابی به روش‌هایی خواهد بود که بتواند سویه‌های ضدانسانی علم را دریابد، آن را حل‌جی کند، تیزی آن را بگیرد و آن علوم را با مسائل انسانی زمانه سازگار کند.

امروزه پیشرفتی که به‌طور سنتی علوم دقیقه و طبیعی خوانده می‌شود، به حدی سریع است که در عوض آن که متفکران و عالمان را مشغوف کند، موجبات نگرانی آنها را فراهم آورده است، چراکه در عمل نمی‌توان سرحدی برای این پیشرفت تعیین کرد. تصور این که انسان بتواند تراریخته‌سازی^۱ کند، یا عمر بشر را ده‌ها سال بیشتر کند و یا حتی با

۱. تراریخته: transgenic شبیه سازی یا ارتقاء ژنتیکی اندام و انسانی دیگر و در واقع التقاط ژنتیکی برای ساختن موجودی دیگر و دیگرگونه





Vittorio Corona
Train Station

بشر محسوب شوند، یا در برخی موارد تهدیدی برای حقوق طبیعی و آزادی‌های اساسی شهروندان تلقی شوند؛ بنابراین علوم انسانی باید وجوهی انسانی به علوم ببخشند.

به جاست که پرسیم چرا این وظیفه به علوم انسانی محول شده است؟ مگر عالمان و فاعلان آن رشته خود انسان و صاحب‌خرد نیستند که نتوانند سویه‌های ضدانسانی علم خود را کشف کنند و آن را اصلاح کنند؟ پاسخ علمی به این سؤال، خیر خواهد بود. یعنی عالمان آن علم از فهم وجوه غیرانسانی عاجز هستند، چراکه اولاً روش و فلسفه‌ی علوم انسانی در فهم مسائل انسانی به‌طور کلی متفاوت از فلسفه و روش در علوم طبیعی و دقیقه است. ثانیاً، عالمان آن رشته خود بخشی از قواعد میدان آن علم هستند و نسبت به درک قواعد میدان عمل خود چندان توانا نخواهند بود. ثالثاً، علوم طبیعی و دقیقه در میان ده‌ها نیرو و اهرم فشار خارج از اراده‌شان فعالیت می‌کنند؛ یعنی بسیاری از علوم در آزمایشگاه‌های خصوصی و سیاسی تولید می‌شوند و لذا ممکن است از فهم این اهرم‌ها و نیروهای فشار عاجز باشند. ولی نقشی که علوم انسانی می‌تواند ایفا کند به‌طور کلی متفاوت است. علوم انسانی به دلیل ویژگی‌های روشی و فلسفه‌ی وجودی‌شان از منظر دیگری به علوم می‌نگرند و می‌توانند مسائل آن را به‌دقت مورد بررسی قرار دهند ■

حال شکستن مرز خیال و واقعیت هستند. امروزه سفر به مریخ و ساخت انسانی دیگر و امثال آن برای بشر قابل تصور است.

روشن است که همه‌ی این پیشرفت‌ها ابعادی غیرانسانی نیز دارند، برای نمونه، تراریخته‌سازی انسان ابعاد جدی اخلاقی خواهد داشت و بشر را دچار مشکل خواهد کرد. به همین ترتیب هر چند باروری بیشتر حیوانات و گیاهان و تولید محصول بیشتر، منجر به ایجاد منابع غذایی بیشتر برای بشر خواهد شد، اما نباید نسبت به ابعاد زیست محیطی، اخلاقی و اقتصادی این دستاورد غافل بود. تجربه نشان داده است که چنین وضعیتی تاکنون منجر به عدالت در توزیع منابع غذایی نشده و به همین ترتیب هر چند توسعه‌ی دانش فناوری اطلاعات برای بشر مفید بوده است، اما این شائبه‌ی سیاسی - اجتماعی همواره پا برجاست که انباشت اطلاعات افراد بشر، تهدیدی بالقوه برای حیات اجتماعی نیز خواهد بود. لذا باید با قواعد مانع از بالفعل شدن این امر بالقوه شد. همان‌طور که درباره‌ی پیشرفت‌ها می‌توانستیم ده‌ها صفحه بنویسیم، درباره‌ی ابعاد هر یک از این پیشرفت‌ها نیز می‌توانیم ده‌ها صفحه بنویسیم؛ به همین دلیل نقش مهمی که علوم انسانی باید ایفا کند فهم ابعاد غیرانسانی علوم دقیقه و طبیعی است. سویه‌هایی که برخی از آنها منجر به بی‌عدالتی و برخی دیگر حتی ممکن است تهدیدی برای نوع

امروزه پیشرفتی که به‌طور سنتی علوم دقیقه و طبیعی خوانده می‌شود، به حدی سریع است که در عوض آن که متفکران و عالمان را مشغوف کند، موجبات نگرانی آنها را فراهم آورده است، چرا که در عمل نمی‌توان سرحدی برای این پیشرفت تعیین کرد